

زندگی با آیه ها
۳۰ آیه ۳۰ شعر از ۳۰ جزء
قرآن

نسخه‌ی درمان ما زندگی با آیه‌ها

داروی شاه و گدا زندگی با آیه‌ها

ای که می‌پرسی کجا بهر آرامش روم

می‌کند از غم رها زندگی با آیه‌ها

کل دنیا در گذر داروی چشم و نظر

در حریم کبریا زندگی با آیه‌ها

خیر دنیا پُر عطا آخرت خواهی بیا

غم مخور داری خدا زندگی با آیه‌ها

می شوی اهل شعور با اُمیدت بر ظهور

می برد تا عرش نور زندگی با آیه‌ها

این کتابی جاودان بر همه آزادگان

نور جان دارو شفا زندگی با آیه‌ها

"سیدی" کن جستجو گحر تو داری آبرو

داده بر تو بینوا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء اول: در بازی آنها همیشه بازنده‌ای

دل اگر بازی کنی در زمین اشقیا

کی کنی راضی عدو کی شود از تو رضا

آن یهودی مسلکان آن مخالف پیشگان

کینه دارند از ازل بهر دنیا بینوا

می شود راضی ز تو آن زمانی که شوی

نوکری حلقه به گوش برده‌ای بی‌ادعا

سر به عدوان خم مکن ارزش خود را بدان

کلّ هستی در گذر کل عالم در فنا

با سفال خاکی ات آبی از چشمه بنوش

وعده ی زر را مخور به ز الماس و طلا

خوش خیالی کم نما حيله ی دشمن مخور

کار او باشد جفا فکر او باری خطا

رهرو راه نبی آن نبیّ بت شکن

شو ببین آخر تو را می برد تا نُه سما

این پیام اوّل از سی پیام کیمیا

نام او در یک نما زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء دوم: پیروزی در دل سختی ها

ای بسا یک عاشقی از خدا خواهد کرم

عافیت بیند همی نی فراق و درد و غم

با همه سازش کند تا شود اهل وفاق

بین او حاکم شود جاهل و عاقل حکم

ای دلا قرآن ولی این چنین دارد سخن

در مسیر بندگی تن مده بر هر ستم

شاید انسان، سود تو در دل سختی بُود

رمز پیروزی تو مشکل و درد و آلم

پس به خالق ای بشر اعتماد از دل نما

تا خدا خیر تو را خود زند زیبا رقم

گر خدا خواهد همی در کویر واژه‌ها

شاعرش را می‌کند با دوبیتی محشّم

گاهی آمال دلم آن فلان را صاحبم

او نخواهد کی شود پا گذاری یک قدم

نور قرآن این چنین می‌دهد تعلیم تو

تا کنی سیر سما زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء سوّم: با دوست داشتنی‌هایت چه می‌کنی

حُبّ دنیا در گذر باید از آن بُگذری

کن شروع این داستان تا ز طوفان بگذری

ای که می‌خواهی شوی همنشین عارفان

باید از خود بُگذری باید از جان بُگذری

آنچه داری بیش و کم خوب عالی مغتنم

جان نخواهم من ز تو خواه از عنوان بُگذری

هر که از خود بُگذرد می شود اهل وفاق

باید از ریب و ریا سهل و آسان بُگذری

این عمل را کن شروع با غذای ساده ای

از لباس کوچکت بهر احسان بُگذری

تا توانی بُگذری، آن دمی که جان توست

نی پریشان نی غریب همچو مستان بُگذری

تا خدا خواهد تو را در صفوف انبیا

از پل روز جزا چون کریمان بُگذری

درس سوم ای رفیق درس ایثار و گذشت

سیره‌ی اهل وفا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء چهارم: یکی شویم پیروز میشویم

رمز پیروزیِ ما در جهان وحدت بُود

این کلام دلنشین آیه ی حکمت بود

چاره ی کار بشر لا تفرّق بینهم

این سخن بر مسلمین از خدا نصرت بُود

کن اجابت این سخن نی فقط زیبا بخوان

مؤمنین را یک صدا از سما دعوت بود

با دعا دل را گره زن بشر بر ریسمان

ریسمانِ ذات حق تا خودِ جنت بُود

ریسمانِ نی ریسمانِ نی طنابی محکم است

ریسمان از جنس نور یک کلام ، عترت بُود

ای خلاق این کتاب نقشه‌ی راه هست و بس

زنده و جاوید و نور شاكران، نعمت بُود

كار عدوان تفرقه در میان مسلمین

ای برادر دل بده شیعه در زحمت بود

درس حُرِّیت بُود این کتاب جاودان

گو دهد دل را جلا آیه‌های زندگی

آیه‌ی انتخابی جزء پنجم: بجنگ برای آزادی

خانه ای در آتش و اهل خانه در عذاب

در میان شعله‌ها کودکانی دل کباب

مرد همسایه همی بی تفاوت بی خیال

زیر لب بر قلب خود دارد اینگونه خطاب

من که در آسایشم پس چرا طغیان کنم
نی سرای آتش و من که دیدم یک سراب
این کنایه ای بشر از مسلمان عاری است
شخص مؤمن می کند بهر ظالم انقلاب
بهر آزادی بشر باید از جان هم گذشت
جان مال و خانمان شیرهی گل در گلاب
بهر آزادی بشر این سخن شهد بیان
داستانِ سارق و آن یهوده، بوتراب
ای که در عالم همی بهر آسایش روی
با تجاوز گر بجنگ تا نیننی اضطراب
این پیام نور حق آیه ای ز آن مصحف است
کی کند این اشقیا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء ششم: شاه کلید امت پیروز

در جهان فکر بشر فکر همکاری شود

کُلّ انسان تک به تک جای خود یاری شود

یاری و همکاری شیعه نیکوکاری است

گر کند کاری ز خیر کار او کاری، شور

این تعاون، همدلی قطع شیوه ی ختم النبّی

تا قیامت خیر او چشمه ای جاری شود

گاهی امّا همدلی قطع فکرِ فتنه‌ای

بهر حفظ آبرو، آبرو داری شود

این کلید اصلی امت بیداری و

امتِ اهل سحر بانگ بیداری شود

من دلا یاری گرم در ره مردانگی

چون نخواهم بر کسی ذره آزاری شود

غزه و لبنان کنون یک نماد از این سخن

ای که داری ادعا بین چه رفتاری شود

مرز این آیه بشر از زمین تا کهکشان

این چنین خواهد تو را زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء هفتم: اصلی‌ترین دشمن کیست

این یهود و آل او مستحق لعنت است

بدتر از فرعون مصر غرق زور و ظلمت است

نسل و اجداد یهود همچو فرعون بی حیا

ای که می‌پرسی چرا این ورای صحبت است

روزی هفتاد انبیا کشته شد تا بنگری

این یهود و آن یهود هر دو در یک سیرت است

آن یهودی انبیا این یهودی کودکان

هر دو باشد بی گناه هر دو نسل رحمت است

بر یهودی غیر خود هر که باشد اهل کین

مُسْتَحَقُّ مُردن و مُسْتَحَقِّ ذَلَّت است

گر یهودی یک زمان از تو خوش گویی کند

راه خود کج کرده‌ای این نشان غفلت است

چون یهودی دشمنِ اصلیِ مؤمن بُود

این این نشانه مؤمنان، افتخار و عزّت است

پرده‌ی هفتم به تو درس عزّت داد و گفت

اهل دل را رهنما زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء هشتم: پارتی بازی ممنوع

گر شدی اهل نظر، کن رعایت عدل و داد

با غریبه با قریب یکی نفس شو، یک نهاد

مدح بیجا از کسی کی کند اهل خرد

اهل انصاف و یقین بی تملق در عناد

می کند مدحی بجا بی تملق بی ریا

با زبانی باادب گر کند او انتقاد

بهر دنیای کسی کی کند ضایع خودش

با خدا و بی طرف اهل دل را اعتقاد

گوید این آیه به ما با عدالت گو سخن

باری این آیه بخوان باسواد و بی سواد

در میان این زبان لانه‌ی شیطان عیان

در بیان لغزش کنی می‌زند برهمِ بلاد

این زبان آری کند عالمی را اهل صلح

یا ز بنیان بر کند کینه‌ها گردد زیاد

در بیان اصلِ سخن، دل، عدالت پیشه، کن

کی کند اهل هوا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء نهم: رسم بزرگی

کن مدارا گذشت تا شوی مرد خدا

از بدی‌ها کن حذرِ مهر خود را کن عطا

حرف نادان را شنو دل مده بر حرف او

بگذر از حرفِ عدو ساده و بی‌اعتنا

رسم دنیا این بُود عفو و بخشش ساده نیست

رسم مردان خدا این بُود ای آشنا

آنکه از حقّ خودش همچو مولایم علی

بُگذرد او می‌شود همنشین انبیا

می‌کند دعوت به دین آنکه شد اهل گذشت

بی تفاوت کی شود عاشق بی ادعا

عفو و بخشش با ادب می‌کند عالم عوض

معجزه گر می‌شود در مسیرش از قضا

جاهل و نادان همی اهل طغیان و خطا

مرد عاقل می‌شود با مدارا باصفا

در جهان بی‌قید و شرط فقط خواند نبی

کرده به‌الله مصطفی زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء دهم: دشمن پنهانِ پیروز

جنگ با دشمن تو را می کند مردی دلیر

نفس خود راضی نمایی شوی دستش اسیر

در میان معرکه با خودی ها مهربان

بحث بی خود را رها کن اطاعت از امیر

کن اطاعت از ولی راه عزّت گم مکن

حرف او فتوا بُود بر صغیر و بر کبیر

تفرقه یعنی نفاق تفرقه یعنی جدل

هم وطن با هم وطن شاه کشور با وزیر

این تلاش اشقیا نقشه راه عدو

بشکن این آئینه را تا کنی او را حقیر

وقتی عدوان صف به صف، صف کشیده روی حق

دل مکن بازیچه‌ی حیل‌ی روباهِ پیر

وحدتی کن استوار عزم خود محکم نما

انسجامت کن قوی تا کِشی او را به زیر

دشمن پنهانِ خود گر شناسی فاتِحی

راه عزّت در بلا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء یازدهم: قلبی برای همه

مهربانی مهربانی رحمت العامین

داده‌ای دل بر خدا با ملائک هم‌نشین

قلب اُمّت قلب تو درد اُمّت درد تو

ای که هستی بی‌بدل ای که هستی بی‌قرین

بیش از هر کس عاشقی رهرؤ جنت رود

ای شکوه کهکشان بی‌قرینه ای امین

ای مَلِک را رهنما ای بشر را مقتدا

عبد صالح پیشوا رهبر عرش و زمین

تا قیامت زنده‌ای همچو قرآن جاودان

پیروی از تو کند مسلمین و مؤمنین

سیره‌ی تو سروری راه تو روشنگری

با تو معنا می‌شود روح قرآنِ مبین

شَرِّمِسام ای نبی از تفضُّل‌های تو

رنج و دردم را کِشی ای بلاکش، دلغمین

من همه در غفلتم بهر قرآن زحمتم

می‌دهد دل را شفا، زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء دوازدهم: استقامت جمعی ، رمز پیروزی

استقامت پیشه کن دل به دریا تا زنی

عمرِ پوچ فتنه را تا قیامت تا، زنی

استقامت پیشه کن خستگی را خسته کن

در مسیر بندگی دل، مبادا جا زنی

پشت کوه مشکلات قلّه های نصرت است

سرفرازی سرفراز گر علم آنجا زنی

در مسیر بندگی کی بُود فرق ای بشر

مرد میدان محکمی، پیرِ راهی یا، زنی

استقامت راه تو رمز پیروزی تو

در میانه راه خود، کج کنی ، درجا زنی

در بیابان بلا اعتمادت کم مکن

گر بترسی بینوا یخ زنی سرما زنی

از بدی‌ها کن حذر لعن شیطان کن بشر

خوش بُود بر قلبِ خطر بانگِ یا مولا زنی

رمز پیروزیّ تو گر بخوانی، نکته را

واژه واژه اعتلا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء سیزدهم: شاه کلید پیروزی‌های بزرگ

شکر نعمت گر کنی می‌شوی سرشار عشق

این حقیقت از خدا وعده‌ی دادار عشق

قدر نعمت را بدان شکر نعمت را بخوان

حمدلله ای خدا این بُود اذکار عشق

شکر نعمت ای بشر در عمل باشد یقین

سجده‌ی شکر بشر نقطه‌ی پرگار عشق

قدر دارایی بدان آنچه داری را بین

گر نبینی بد، شود بد کنی گفتار عشق

قدر نعمت را بدان آن زمان که صاحبی

نی که از کف زد برون هی کنی اظهار عشق

با زبان مادری ساده اما با ادب

گو خدایا چاکرم خالق اسرار عشق

دیده چرخان دور خود کن سفر بر قلب خود

تا بینی در خودت تک به تک آثار عشق

کُفر نعمت از دلت می‌برد بیرون صفا

تا نگردي دلگشا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء چهاردهم: فراتر از عدالت

ای که دنبال حَقّی کن عدالت برقرار
تا که نظم جامعه ساده باشد در مدار
هر کجا تا نُه سما دادگاه عالم است
نی فقط در دادگاه عدل باشد استوار
عدل بین بچه ها عدل با همسایه ها
در تجارت، کاسبی این یکی از صد هزار
زیر این سقف کبود ای برادر هر که هست
یا برادر با تو و یا که هم کیش و تبار
بین خلق و لله همی عاطفه مهر و وفا
جاری و ثاری شود در خزان عالم بهار

تا توانی دشمنی با کسی هرگز مکن

کس نباشد تا تو را دیده گوید الفرار

عمر مولایم علی لحظه لحظه آیه است

بی عدالت کی، کجا سر شکافت ذوالفقار

عدل جامع در جهان شاه مردان مرتضی

چون نموده مرتضا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء پانزدهم: حق دادنی است

حقّ قوم و خویش خود هم فقیران را بده

حقّ در ره ماندگان هم اسیران را بده

جامعه گشته رواج حقّ را باید گرفت

ای که داری معرفت حقّ قرآن را بده

سان که تو هستی غنی، تاجری از اغنیا

دل قناعت پیشه کن حق احسان را بده

ما به حدّ خود همی صاحب سرمایه‌ایم

دست هم نو را بگیر بیمه‌ی جان را بده

حقّ ملت‌ها همی در جهان گردد، ادا

کی شود گوید کسی سهم انسان را بده

بعضی اما ای رفیق حقّ ما غارت کنند

جامعه گوید بیا بُرده‌ای آن را بده

ما در این عالم گهی میزبان گه میهمان

گاهی حقّ میزبان گه تو مهمان را بده

خوان حدیث عاشقی از کلام ذات حق

این جهان تا انتها زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء شانزدهم: معجزه خدا

معجزه یعنی خدا در همه رفتار تو

معجزه یعنی خدا در زبان گفتار تو

معجزه یعنی خدا مهر تو افزون کند

عالمی هر دم کِشد حسرت دیدار تو

معجزه یعنی عمل آن عمل که صالح است

معجزه یعنی ادب دم به دم ایثار تو

معجزه یعنی بشر سیرت زیبا بیار

تا درونش بنگرم صورت دادار تو

صورت زیبا و زشت با عمل زیبا شود

با خدا باشی جهان جمله گردد یار تو

پس برای بندگی خالقت راضی نما

نی بشر را ای بشر حق شود بیزار تو

بنده خواهد از شما آنچه خواهد نفس او

نی خدا و انبیا احمد مختار تو

می‌دهد ره را نشان تا روی سوی جنان

سیره آل عبا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء هفدهم: خیالت راحت راحت

دین حق یاری نما می‌کند یاری تو را

همچو رودی می‌کند در زمان جاری تو را

تا خدا با تو بُود بی‌خیال مُشکلات

از عدو کی می‌رسد لحظه‌ای خواری تو را

با خدا باشی اگر فاتح میدان تویی

بی‌ثمر باشد همی ضربتی کاری تو را

اندک اندک با خدا بی‌نهایت می‌شود

می‌کشد سوی خودش جمله انواری تو را

یا حسین و یا علی یا حسن یا فاطمه

یا محمد می‌شود اوج دلداری تو را

از میان معرکه می‌کشد تا کهکشان

نغمه اذکار تو وقت دشواری تو را

اعتقادات جای خود اعتمادت کن قوی

آزمونِ حق بُود وقت بیماری تو

آن زمان با خالقت حرفی از دوری مزین

می‌کند دردت دوا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء هجدهم: آستین ها را بالا بزنید

بی نیازت می کند با خدا باشی اگر

ازدواجت را بکن همچو شمسى با قمر

گر تهی دستی بدان این کلید فتح باب

ای دستت می رسد کن تو کارى پُر ثمر

بانى خیرِ کسى گر شوى خالق رضا

زندگى جارى بُود این زمان ها در گذر

کارِ خیرت را خدا صدهزارى می دهد

می رسد پایان همى با دعائى خیر و شر

عهد و پیمان با خدا گر ببندی فاتحى

هى مگو این دردسر هى مگو آن دردسر

این مسیر بندگی، پاکی و دلدادگی

بهر ایمان جوان، کن مهیا ای بشر

من نگویم جامعه من نگویم کُلُّ خلق

کن مهیا ای عزیز ازدواج یک نفر

عمر خود را بیمه کن روح خود را زنده کن

کن کمی با این نوا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء نوزدهم: از خدا بخواه

ربنا یاربنا ای خدای مهربان

من دعا کردم کنون از تو می‌خواهم امان

همسر و فرزند من راه قرآن را رود

نور چشم من شود خار چشم دشمنان

همسر و فرزند من در سلامت منتظر

رهرو و راه علی شیعہ صاحب زمان

در شب قدر ای خدا من چنین خواهم ز تو

کن دعایم مستجاب تا شوم اهل جنان

ربنا یاربنا کشورم را بیمه کن

بیمه مولا علی آن امیر عارفان

ربنا فرزند من مایه‌ی امید من

نذر سقای حسین آن شه لب تشنگان

ربنا با این دعا بر شب قدرم نگر

مهدی از ره کی رسد آمده پیر و جوان

ربنا ذکر دعا غصّه و غم را یقین

می‌کند از دل جدا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء بیستم: افتادگی آموز اگر طالب فیضی

من خودم را میزنم با تواضع بر زمین

تا به خاک و خون کشم نفس شیطان لعین

برتری جویی فساد و برتری بینی عناد

ای دلا افتاده شو همنشین مُتَّقین

این جهان فانی بُود دست افتاده بگیر

با تواضع با خشوع مسلک اهل یقین

نفسِ اماره اگر لحظه ای باشد رها

می کشد تا قعر چَه تا شوی عمری حزین

بی تکبر در جهان گر تو باشی محترم

همنشین انبیا حامیات روح الامین

با تکبر ای بشر روبروی خالقی

سر به زیر افتاده شو زیر پایت را بین

نام حیدر را بین شهره در عرش و سما

بو تراب خاکیان ساده امّا مه جبین

زندگی یعنی همین شرط او باید کنی

آشکار و در خفا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء بیست و یکم: ایستاده تا آخرین نفس

در جهان مرد خدا می‌کند حق را طلب

در مسیر بندگی خوش مرام و خوش لقب

جاه دنیا دست او همچو مومی نرم و نرم

با شهادت در جهان ایستاده لب به لب

همچو حیدر بهر دین مرگ از او در پیچ و تاب

عمر خود را وقف دین کرده باری روز و شب

بگذرد از هستی‌اش از همه آرامش‌اش

در مرامش کی بُود کودکی سوزد به تب

او برِ آرامش خلق دنیا زنده است

دوست دارد ملّتی در فرح باشد طرب

خود ولی در معرکه زیر تیغ اشقیا

حامی دین خدا با وقار و با ادب

بر سر پیمان عشق انتظار جرعه می

جان دهد در بحر خون خوش بُود با این سبب

تا شهادت استوار، بی‌قرارم کرده بود

او همی گوید بجا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء بیست و دوم: برای خودت

ای که حُبّ سروری در جهان داری به سر

در محاق چادرات می درخشی چون قمر

این پیام عشق تو نامه معشوق تو

از سما با پیک نور آمده وقت سحر

ای مسلمان بنده ام، کن حفاظت چادرت

تا که ایمن باشی از صد بلا و صد خطر

گول دنیا را مخور زرق و برقش را مبین

کُلّ دنیا فانی و کُلّ عمرش در گذر

جای تو رضوان بود راه تو قرآن بود

من نخواهم عمر تو بی ثمر باشد هدر

این پیام محکم است از خدا بر بنده‌اش

کن رعایت گر کنی می شوی اهل نظر

گفتنی‌ها را بشر در کتابی گفته‌ام

گر نخوانی خط به خط خود کنی آخر ضرر

عاشقان در گهم نی فقط حفظ‌اش کنند

خوان بکن سترِ حیا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء بیست و سوم: رمز بهترین انتخاب

ای بنی آدم شنو از زبان شیخ و شاب

گوش کن تا عمق جان از سخن کن اجتناب

تا شنیدی هر سخن از خودت بی خود مشو

با توکل برخدا راه خود کن انتخاب

در مسیر بندگی دل صبوری پیشه کن

بهر آزادی تو من فرستادم کتاب

گول مردم را مخور در خدا اندیشه کن

وعده‌ی مردم بُود بهر تشنه یک سراب

از کتابِ جاودان آیه‌ای را خود بخوان

در وجودت من کنم باری انسان انقلاب

اسم اللهم بخوان اسم اعظم اسم نور

خوان به لب اَمّا به دل با دعائی کن توقاب

با من ای عاشق بیا من هدایت می‌کنم

خوان مرا با یارِ بُنا تا بگویم من جواب

ای بنی آدم بیا غُصّه فردا مخور

می‌کند راحت سَوا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء بیست و چهارم: کلید دل های سخت

پاسخ هر کار بد، بد که باشد بی ثمر

با زبانه می کشد آتش کینه شرر

این عمل را کن رها چونکه او ویرانگر است

پس تو کاری کن رفیق تا کند بر دل اثر

راه او خواهی اگر در کتاب جاودان

گفته خالق ای جوان آیه آیه کن نظر

پاسخ هر کار بد با تبسم بهتر است

کن تو تعریف اش چنین تا لب ریزد شکر

آهن سخت دلش این با محبت زر شود

رنگ رخسارش کند مدح تو مانند زر

مهر و رافت می‌کند آهن تفتیده

بهر تو امّا سپر ساده گویم بی‌خطر

از محبت گل شود خار دوران دیده‌ای

این مثل از شعر صدهزاران معتبر

تا کجا بین آدمی، صحبت یزدان برد

دیده را داده ضیا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء بیست و پنجم: راهی به سوی تصمیم‌های ماندگار

سرخود ار کاری کنی می‌شوی اهل زیان

پا به گلِ مانی دمی هرچه باشی پُر توان

چاره‌ی کار بشر در تمام عمر خود

این کتاب زنده و جاودان باشد جوان

در دو راهی‌ها مکن عمر با ارزش تلف

مشورت کن مشورت، مشورت را قدر دان

با دو طیفی هم مکن مشورت کج می‌روی

می‌برد تا قهقرا هم بخیل و بزدلان

مشورت با اهل دل اهل فکر می‌کند

از زمین دل می‌کُنی می‌رسی تا آسمان

این خوشی‌ها در گذر دهر فانی دردرس

بهترین‌ها مال تو گفته خالق هر زمان

سنگِ دل را تیشه زن بر وجودت ریشه زن

در خودت اندیشه کن پس کجا خواهی بران

با خودت شو همسفر دل بیر تا عمق جان

می‌بُرد از اِنزوا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء بیست و ششم: راه یاران محمد (ص)

راه یاران نبی راه قرآن است و بس

نوری از سوی خدا تا به انسان است و بس

هر که شد یار نبی چون علی باید شدن

با یتیمان مهربان مرد میدان است و بس

با عدو چون صاعقه با یتیمان چون پدر

این وجود بی بدل عبد سبحان است و بس

ای که دائم در غضب ابرو در هم بی طرب

جای تو قعر زمین نار و نیران است و بس

ای که هستی مهربان بر عدو شیر ژیان

جای تو اوج فلک باغ رضوان است و بس

کن خودت را همنشین با رسول مرسلین

این مرام اهل دل شاه مردان است و بس

ای که در ره مانده‌ای راه دین گم کرده‌ای

الگوی تو این زمان این شهیدان است و بس

الگوی دیگر تو را می‌دهم اینک نشان

بر شهیدان رهنما زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء بیست و هفتم: آرمان نهایی

ای خدا خواهی مرا وارد جنت شوم

عبد صالح کیمیا گوهر خلقت شوم

این نهایی آرمان از برای بنده‌ای

من چرا باید کنون دور از این فرصت شوم

پس هزاران این پیام آورده که

بر حریم کبریا بلکه من دعوت شوم؟

من کجای قصه‌ام ای خداوند رئوف

من کی‌ام خواهی ز من با تو هم صحبت شوم

آهن تفتیده را بهر آزادی من

داده‌ای حالت بر او بلکه من راحت شوم

پس کنون من هم خدا بهر آزادی دین

مرد میدان می‌شوم حامل رحمت شوم

در غیاب انبیا دل عدالت پیشه کن

عدل و قسط احیا نما صاحب دولت شوم

یارب از جرمم گذر تا کنم از عمق جان

بندگی بی‌ادعا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء بیست و هشتم: همچو سدّی فولادین و بنایی آهنین

همچو سدّی آهنین دل قوی کن با وقار

بگذر از سیل نفاق همچو ابری در بهار

دل قوی کن در بلا وحدت محکم نما

روبروی اشقیا همچو کوهی استوار

صحبت مردم شنو حرف خالق کن سند

گر تو خواهی در جهان زنده مانی رستگار

همچو شیری ای بطل بر شعلت کن عمل

پنجه افکن بر عدو همچو شیری آشکار

دل ولی افتاده باش همچو حیدر بی غضب

می زنم گو چون علی بهر عدوان ذولفقار

من خدا را دیده‌ام در مسیر بندگی

تا که راضی از منش جمله گردد کردگار

یا الهی ده مددبر دل شوریده‌ام

تا رسیدم بر عدو جمله گویند، الفرار

این همان درسی بُود داده بر من، اهل دل

در دل شور و بلا زندگی با آیه‌ها

آیه‌ی انتخابی جزء بیست ونهم: کلید حل مشکلات

رمز پیروزی ما استقامت در جهاد

دل قوی کن ای بشر بر خدا کن اعتماد

وعده‌ی خالق تو را جمله سیرابت کند

مشکلات حل شود هرچه باشد ازدیاد

استقامت را کنم هان به تو معنا چنین

تا بگیری در حق بی‌سواد و باسواد

دیده‌ای در بین سنگ ریشه اندازد گلی

با شگفتی خیره شو بر گلی چشمت فتاد

در میان سخره‌ها رود جاری خوشگوار

گر تو نوشیدی بگو مالک‌اش را زنده باد

در دل دنیا رفیق تن به ذلت‌ها مده

استقامت پیشه کن تا رسد روز معاد

کُلّ دنیا در گذر هرچه داری بی‌ثمر

عبدصالح بنده را این بُود آخر مراد

عبدصالح بنده را اغنیا باشد گدا

می‌کند دور از ریا زندگی با آیه‌ها

آیه ی انتخابی جزء سی ام: آتش زیر خاکستر

ای که از خود غافلی عیب مردم کم بگو
 پیش هم نو کم ببر از مسلمان آبرو
 زخم کاری بدتر نیش عقرب دیده ای
 ای که بر دین قائلی پس چرا داری دو رو
 بندگان را مسخره آشکارا می کنی؟
 تا جهنم با زبان می روی آخر فرو
 بس کن ای اهل زیان عیب خود را هم بین
 با خلاق گفتگو ساده کن اما نکو
 عیب مردم کن رها تا شوی اهل صفا
 در درون خود نما عیب خود را جستجو

این زبان چون آتشی زیر خاکستر بُود

بهر خاموشیّ او ذکر دل گو با وضو

حُرمت انسانِ نِگر، دشمنی کن با عدو

مسخره کردن بد است او بُود حتی عدو

این پیامِ امّتِ اهل قرآن است و بس

هر که دارد هکذا زندگی با آیه‌ها